

تفسير احمد

سُورَةُ التِّينِ

Ketabton.com

95

شماره

ترجمه و تفسير سورة «التين»

تتبع و نگارش: امين الدين سعیدی - سعيد افغانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره التین

جزء - (30)

این سوره در «مکه» نازل شده و مکی بوده و دارای 8 آیه است

وجه تسمیه:

سبب نامگذاری این به سوره‌ی «تین» به دلیل قسم خوردن به آن در بدایت سوره است، «وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونِ ﴿١﴾».

همچنان مفسران علت تسمیه این سوره را چنین بیان گرفته اند: که پروردگار عزوجل در آغاز این سوره به چهار چیز پر اهمیتی قسم یاد کرده است. «وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونِ ﴿١﴾ وَطُورِ سِينِينَ ﴿٢﴾». (قسم به انجیر و زیتون، یا قسم به سر زمین شام و بیت المقدس). طوری که یادآور شدیم نام این سوره «التین» است و از آیه اول این سوره اخذ گردیده است. قسم پروردگار در آغاز سوره به «تین: انجیر» و «زیتون» بدین معنی و مفهوم است که در انجیر و زیتون خیرات و برکات بسیاری متعددی نهفته است.

برخی از مفسرین مینویسند که این گونه قسم ها در سوره «التین» اشاره به مراحل چهار گانه خود شناسی انسان را می‌رساند، و ناظر به آیه: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ 33 آل عمران» است. (براستی که خداوند، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برگزید).

- «تین» اشاره است به دوران و مقام آدم علیه السلام (که در جنت به آن آراسته بود).
- طور سنین اشاره به مقام حضرت موسی علیه السلام (که تفصیل آن در سوره آل عمران) آمده است.

- «البلد الامین» اشاره به مقام رفیع حضرت محمد صلی الله علیه وسلم دارد که تنها در سایه دین اسلام میسر است (سوره آل ابراهیم). یعنی انسان با طی این مراحل است که به احسن تقویم میرسد.

سایر روایات مفسران در باره «تین» و «زیتون»:

تعداد از مفسران در تفاسیر خویش برخی از روایات را در باره «تین» و «زیتون» منقول داشته اند، که بادر نظر داشت عدم ثقه بودن منابع آن صرف برای معلومات بشرح ذیل بیان می یابد:

- مقصود از «تین» و «زیتون» همان دو میوه معروف است؛
- «تین» مسجدی است که حضرت نوح (ع) روی کوه جودی بنا کرد و «زیتون» مسجد شهر قدس است؛
- «تین» و «زیتون» اشاره به سرزمین هایی است که درخت انجیر و زیتون در آن پرورش می یابد؛
- «تین» و «زیتون» نام دو کوه در شام است؛
- «تین» و «زیتون» نام دو شهر است؛
- «تین» و «زیتون» نام دو مسجد در شام است؛
- «تین» مسجد الحرام و «زیتون» مسجد اقصی است؛
- «تین» شهر دمشق و «زیتون» شهر قدس است؛

- «تین» مسجد دمشق و «زیتون» مسجد شهر قدس است؛
- «تین» کوهی است که دمشق بر آن بنا شده و «زیتون» کوهی در شهر قدس است؛
- «تین» مسجد اصحاب کهف (کهف: 21) و «زیتون» مسجد شهر قدس است؛
- «تین» کوه «طور تینا» و «زیتون» کوه «طور زیتا» است؛
- «تین» اشاره به دوران حضرت آدم (ع) و «زیتون» اشاره به دوران حضرت نوح (ع) است؛
- «تین» و «زیتون» سرزمین فلسطین است؛
- هستند مفسرین که در تفاسیر خویش مینویسند که هدف از زیتون، همانا زیتون بیت المقدس است.

کوه زیتا یا کوه زیتون:

نام کوه زیتون از درخت زیتون که به اندازه زیادی در این کوه وجود داشته، مأخوذ شده است، کوه زیتون را اعراب به «کوه طور» و یا کوه «طور زیتا» نیز می شناسند و قریه طور بالای این کوه موقعیت دارد. این کوه در شرق شهر بیت المقدس واقع است، کوه است که بر تمام شهر بیت المقدس مشرف میباشد. ارتفاع این کوه از سطح بحر تقریباً به 826 متر میباشد. میگویند حضرت مسیح عیسی بن مریم به منظور فرار از آزار و اذیت یهودی ها به کوه زیتون پناه می برد. و در انجیل متی خطاب به بیت المقدس گفته است: ای اورشلیم، ای قاتل انبیاء و ای شهری که به سوی فرستادگان الهی سنگ پرتاب میکنی، چند بار خواستم فرزندان ترا همان گونه که مرغ چوچه های خود را زیر پر و بال خود میگیرد جمع کنم ولی نخواستید پس بروید که این منزل تنها به صورت مخروبه ای برای شما باقی خواهد ماند.

تعداد آیات، کلمات و حروف سوره التین:

قبل از همه باید گفت که سوره تین، پس از سوره ی بروج شرف نزول یافته است. سوره «التین» مکی است و دارای (1) رکوع، (8) هشت آیت، (32) سی و دو کلمه، (165) یکصد و شصت و پنج حرف، و (33) سی و سه نقطه است. (لازم به ذکر است که اقوال علماء در نوع حساب کردن تعداد حروف سوره های قرآن متفاوت و مختلف است. برای تفصیل این مبحث میتوانید به سوره الطور، تفسیر احمد مراجعه فرمایید.)

پیوند و ارتباط سوره التین با سوره الانشراح:

سوره ی شرح از کاملترین و زبده ترین انسان (پیامبر بزرگوار محمد صلی الله علیه وسلم) از جهت آفرینش و خلق و خو، بحث نموده و سوره التین هم از نوع ترکیب و ساختمان ظاهری انسان و فروافتادنش در پایین ترین مراتب دستاوردهای خود و با رسیدنش به نور حق، خبر می دهد.

اسباب نزول سوره التین:

ابن جریر از طریق عوفی از ابن عباس (رض) روایت کرده است: که در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم اشخاصی بودند که سن و سال شان بالا رفته پیر شده بودند وقتی که به دلیل پیری عقل و اندیشه شان را از دست داده، در این باره آنها از پیامبر صلی الله علیه وسلم سؤال کردند. پس خدای متعال وحی فرستاد و آنها را معذور داشت و فرمود اجر و پاداش اعمال خیری که در راه اسلام قبل از دست دادن عقل و خرد خود انجام داده

اند نصیب آنها ست. (مواخذ: تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم تالیف: شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول تالیف علامه جلال الدین سیوطی، سوره تین)

زمان نزول سوره تین:

قتاده می فرماید که این سوره مدنی است. از ابن عباس (رض) در این باره دو قول نقل شده است. یکی آن که این سوره مکی است و دیگری آن که این سوره مدنی است. اما جمهور علماء آن را مکی قرار می دهند و نشانه ی آشکار مکی بودن آن این است که در آن برای مکه ی مکرمه ی عبارت «وهذا البلد الامین» «و این شهر پر امنیت» به کار رفته است. واضح است که اگر این سوره در مدینه نازل شده بود، در آن صورت به کار بردن عبارت «و این شهر» برای مکه نمی توانست درست باشد. افزون بر آن از دقت و توجه به مضمون سوره «تین» نیز چنین احساس می شود که این سوره از سوره های نازل شده در دوران آغازین مکه است، چراکه در آن هیچ نشانی از این دیده نمی شود که به هنگام نزول آن کشمکش کفر و اسلام آغاز شده باشد و در آن همان لحن بیان سوره های دوران آغازین مکی دیده می شود که در آن ها به صورت بسیار مختصر و جذاب به مردم فهمانده شده است که سزا و جزای آخرت ضروری و به طور کامل منطقی است.

موضوعات مورد بحث در سوره تین:

سوره ی تین به بررسی دو مطلب برجسته می پردازد:

اول: اکرام الله متعال نسبت به انسان.

دوم: ایمان به حساب و جزای آخرت.

این سوره با قسم به اماکن مقدس و شریفی آغاز شده است که الله متعال آنها را به محل نزول وحی بر پیامبرانش اختصاص داده است. این اماکن عبارتند از «بیت المقدس»، «کوه طور» و «مکه ی مکرمه».

و قسم خورده است که انسان را در زیباترین شکل و سیما آن خلق گردیده است و اگر نعمت های پروردگارش را سپاسگزار نباشد جایگاه او پایین ترین طبقات دوزخ خواهد بود.

- هکذا در سوره تین کافر به خاطر انکار حشر و نشر توبیخ شده است؛ چرا که بعد از آن همه دلیل روشن و قطعی که بر قدرت پروردگار عالمیان در آفرینش انسان در نیکوترین شکل و زیباترین صورت ارائه شده است، باز حشر و نشر را انکار می کند: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ.»
- و در خاتمه عدالت الهی را با دادن پاداش به مؤمنین و مجازات و سزا به کافران بیان کرده است: «فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالذِّينِ * أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ آیه متضمن:» آن است که پاداش و معاد امری است مسلم و قطعی.

ترجمه و تفسیر سوره التین

جزء - (30)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْتِّينَ وَالزَّيْتُونَ ﴿١﴾ وَطُورِ سِينِينَ ﴿٢﴾ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ﴿٣﴾ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ﴿٤﴾ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ﴿٥﴾ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿٦﴾ فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدَ بِالذِّينِ ﴿٧﴾ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ ﴿٨﴾

ترجمه مؤجز:

«و التین و الزیتون» (1). قسم به تین و زیتون (دو میوه معروف انجیر و زیتون یا دو معبد بزرگ کعبه و بیت المقدس).

«و طور سینین» (2). (و قسم به طور سینا)

«و هذا البلد الامین» (3). و قسم به این شهر امن و امان (مکه معظم).

«لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (4). (یقناً که ما انسان را در نیکوترین صورت

(در مراتب وجود) بیافریدیم).

«ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ» (5). (سپس (به کیفر کفر و گناهش) به اسفل سافلین

(جهنم و پست ترین رتبه امکان) برگردانیدیم).

«إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ» (6). (مگر آنان که ایمان

آورده و نیکوکار شدند که به آنها پاداش دائمی (بهشت ابد) عطا کنیم).

«فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدَ بِالذِّينِ» (7). (پس (ای انسان مشرک ناسپاس) چه تو را بر آن داشت که

دین حق و روز جزا را تکذیب کنی؟)

«أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ» (8). (آیا الله مقتدرترین و عادل ترین حکم فرمایان (حاکم

مطلق) عالم نیست؟

ترجمه و تفسیر:

خوانندگان گرامی!

در آیات متبرکه سوره هذا در باره ساختار متعادل و نیکو و زیبای بنی آدم؛ بحث بعمل آمده است:

«وَالْتِّينَ وَالزَّيْتُونَ» (1):

قسم به «بلد» انجیر و زیتون!

«تین» در لغت به معنی «انجیر» و «زیتون» همان زیتون معروف و مشهوری است که مردم از آن روغن مفیده را بدست میآورند.

ابن عباس (رض) فرموده است: منظور انجیری است که آن را می‌خورید، و زیتونی است که از آن روغن می‌گیرید. (قرطبی ۱۱۰/۱۹).

و عکرمه فرموده است: الله متعال به محل زرع، رشد و نمو انجیر و زیتون قسم خورده است، و انجیر بیشتر در دمشق به بدست می‌آید و زیتون در بیت المقدس. (البحر

۴۸۹/۸). و اظهر هم همین است؛ زیرا عطف کردن «کوه طور» و «البلد الامین» بر

آن، دلیلی است بر اثبات این نظر. پس قسم به اماکن مقدسه‌ای صورت گرفته است که الله متعال در آن اماکن بر پیامبران وحی نازل کرد و آنها را مشرف و مبارک قرار داد. در مورد اینکه آیا هدف قسم در این به این دو میوه معروف است یا هدف از قسم پروردگار چیزی دیگری است؟ مفسران تفاسیر، تاویلات و تحلیل‌های مختلفی را در این مورد ارائه فرموده‌اند. تعدادی از مفسرین بدین نظر اند که ذکر این دو میوه معروف و مشهور در این سوره اشاره به خوراکی مفیده غذایی که خواص تداوی فوق‌العاده زیاد و مختلف النوع را دارد.

برخی از مفسران بدین باور اند که هدف از آن میوه «تین و زیتون» در این سوره نیست، بلکه هدف از آن: طوریکه در فوق هم یاد آور شدیم عبارت از: دو کوهی معروف و مشهوری است که در شهر «دمشق» و «بیت المقدس» موقعیت دارد. و این دو سرزمین، محل قیام بسیاری از انبیاء و پیامبران بزرگ خداست، یکی مبعث شدن حضرت موسی علیه السلام و دیگری مبعث شدن اسمعیل علیه السلام و محمد صلی الله علیه و سلم است که از فحوائی قسم‌های آیت سوم و چهارم که از سر زمین‌های مقدسی یاد می‌کند میتوان فهمید.

برخی از مفسرین می‌فرمایند که: «التَّيْنِ»: انجیر. و ذکر آن در این سوره اشاره به دوران آدم علیه السلام است که او و زوجه اش بی بی حوا در جنت، برگ درختان و چه بسا انجیر را برای پوشش عورت خویش مورد استفاده قرار دادند: طوریکه ذکر آن در (سوره اعراف/ 22) بعمل آمده است.

کلمه «الزَّيْتُونِ»: زیتون اشاره به دوران نوح است. که آدم دوم لقب گرفته است. گویا در آخرین مراحل طوفان، نوح کبوتری را رها کرد تا در باره پیدا شدن خشکی از زیر آب جستجو کند. کبوتر با شاخه زیتونی بازگشت، از بازگشت کبوتر و نشستن آن بر شاخه زیتون نوح علیه السلام استنباط نمود که طوفان دیگر به پایان خود رسیده است. طوریکه شاخه زیتون بحیث سمبول صلح و امنیت در بین تعداد از عرب‌های شهرت دارد. کوه «طور زینا» که در بیت المقدس است. (مراجعه شود: جزء عمّ شیخ محمد عبده).

مفسر ابوحیان در تفسیر «بحرالمحیط» مینویسد: «ظاهراً مراد حق تعالی سوگند به خود انجیر و زیتون است». بلی! حق تعالی به انجیر سوگند خورد زیرا انجیر میوه‌ای است که از تیرگی‌ها و آلایش‌هایی که لذت را میکاهد، خالص شده است به سبب آنکه تمام آن با پوست و گوشت و دانه خورده میشود هم چنین انجیر هم غذاست، هم میوه و هم دوا. انجیر غذایی است نرم و زود هضم که در معده بسیار نمی‌ماند، دوائی است ملین طبع، کاهش دهنده بلغم، پاک‌کننده کلیه‌ها و مثانه، فربه‌کننده بدن، بازکننده مسامات کبد و طحال و میوه‌ای است از بهترین و ستوده‌ترین میوه‌ها.

بسیاری از اطباء نیز برآنند که انجیر مفیدترین میوه‌ها و مغذی‌ترین آنها برای بدن است.

اما زیتون نیز هم میوه است، و هم میتوان از آن روغن بدست آورد و هم میتوان از آن در ترکیب بسیاری از دواهای استفاده بعمل آورد.

«وَطُورِ سَيْنِينَ» (2):

(و قسم به طور سینین!)

مفسرخازن فرموده است: به دلیل این که درختان مبارک و مثمر در آن وجود دارد به «سینین» و «سینا» موسوم است، و هر کوهی که دارای درختان باثمر باشد، آن را «سینین و سینا» می‌گویند. (تفسیر خازن ۲۶۶/۴).

قابل یادآوری است که کوهی «طُور سِینین»: در صحرائی سیناء موقیت دارد و حضرت موسی علیه السلام در بالای آن به مناجات با پروردگار با عظمت پرداخت. در کنار این کوه نور شریعت موسوی تابیدن گرفت (مراجعه شود به سوره: مریم/ 52). طور سینین، همان وادی سینا که در میان مصر و فلسطین امروزی موقیت دارد.

کوه طور از جمله کوه های است که در شبه جزیره سینا موقیت داشته، این کوه در دین ابراهیمی و بخصوص دین یهودیت از موقیت خاصی برخوردار است. تعداد کثیری از روایات دینی یهودی به اصطلاح از همین کوه سر چشمه میگیرد.

کوه طور عبارت از همان کوه است که بنی اسرائیل بعد از سه ماه از ترک مصر به آنجا رسیدند و در جوار آن خیمه زدند.

مطابق برخی از روایات ادیان ابراهیمی، خداوند شریعت را آنجا به بنی اسرائیل عطا کرد، گوساله سامری در همین کوه ساخته شده است.

در این کوه برای اولین بار وحی بر موسی علیه السلام نازل و در زیر درخت زیتون به وسیله آتش بر وی تجلی نمود. (خروج ۱۶: ۱۷)

این کوه به نام های کوه حوریب، جبل الله، جبل موسی در بین مردم شهرت دارد.

این کوه 2285 متر از سطح بحر ارتفاع دارد و به فاصله 30 مایلی جنوب العریش واقع می باشد.

«سینین»: به معنی زرین است که بعضی ها گفته‌اند که منظور همین طور سینا است که در سوره‌ی مؤمنون هم آمده است.

«وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ» (3):

(وقسم و سوگند به این شهر امین (مگه)!

هدف از «الْبَلَدِ الْأَمِينِ»: یا شهر امین. سرزمین مکه معظمه است، سر زمینی که حتی در عصر جاهلیت هم به عنوان منطقه امن و حرم خدا شمرده میشد، و کسی در آنجا حق تعرض به دیگری نداشت.

مکه معظمه بحیث شهر «امین» نه تنها برای: انسانها، بلکه برای حیوانات، درختان و گیاهان و پرندگان میباشد، نه جانداري در آنجا کشته میشود و نه گیاهی کنده میگردد، مگر انواعی از نباتات که مردم بدانها نیازمندند (تفصیل بیشتر را میتوان در جزء عمّ شیخ محمد عبده مطالعه فرماید).

«الْأَمِينِ»: سرزمین دارای امن و امان (مراجعه شود به سوره بقره/ 126، آل عمران / 97، قصص / 57).

در این آیات «طور سنین و بلد الامین» دارای مفهوم واضح و روشن است که هیچگونه مناقشه را ایجاد نمی کند، طوریکه در فوق یاد آور شدیم: یکی مبعث شدن حضرت موسی و دیگری مبعث شدن اسمعیل علیه السلام و محمد صلی الله علیه وسلم است.

اگر در روشنائی آیات دیگری قرآن غور کنیم، به وضاحت در خواهیم یافت که میان این دو سرزمین فقط یک شباهت خاصی وجود دارد و آن اینکه هر دو منسوب به پیامبران اند و دو پیامبر جلیل القدر در آن مبعوث شده اند، در طور سینا حضرت موسی علیه وسلم

و در بلد الامین پیامبر صلی الله علیه وسلم مبعوث شد، هر دو مبعوث پیامبران و مهبط وحی اند.

ارتباط قسم به طور سنین و بلد الامین، با جواب قسم کاملاً واضح و هویداست، زیرا این دو سرزمین که مهبط وحی بوده و بزرگترین شخصیت های تاریخی در آن تبارز کرده اند، بخوبی گواهی می دهند که در انسان استعداد های بزرگی گذشته شده و در بهترین ساختاری آفریده شده، مگر وجود این پیامبران بزرگ و جلیل القدر که به آن مقام بلند و رفیع رسیدند، هر یک انقلاب عظیمی و عمیقی را رهبری کردند، و چون مشعل فروزان درخشیدند و شب تیره و تار جامعه جهل زده و ستم زده را روشن کردند. بعد از ذکر این قسمهای پر محتوای چهارگانه که مختصراً بدان اشاره نمودیم، در آیت ذیل به جواب قسم پرداخته چنین می فرماید:

«لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَن تَقْوِيمٍ» (4):

ما انسان را (از نظر جسم و روح) در بهترین شکل و زیباترین سیما آفریده ایم. مجاهد فرموده است: «أَحْسَن تَقْوِيمٍ» یعنی به زیباترین سیما و بدیع ترین صورت او را آفریده ایم. (طبری ۱۵۶/۳۰).

«لَقَدْ خَلَقْنَا...»: جواب قسمهای چهارگانه است. «أَحْسَن»: زیباترین. بهترین «تقویم» به معنی در آوردن چیزی به صورت مناسب، و نظام معتدل و کیفیت شایسته است، و گستردگی مفهوم آن اشاره به این است که خداوند انسان را از هر نظر موزون و شایسته آفرید، هم از نظر جسمی، و هم از نظر روحی و عقلی، چرا که هر گونه استعدادی را در وجود او قرار داده، و او را برای پیمودن قوس صعودی بسیار عظیمی آماده ساخته، و با اینکه انسان جرم صغیری است، عالم کبیر (را در او جا داده و آنقدر شایستگی ها به او بخشیده که لایق خلقت و لقد کرمانا بنی آدم ما فرزندان آدم را کرامت و عظمت بخشیدیم (سوره اسراء آیه 70) شده است همان انسانی که بعد از اتمام خلقتش میفرماید: **«فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ»** پس بزرگ و پر برکت است خدائی که بهترین خلق کنندگان است!

ولی همین انسان با تمام این امتیازات اگر از مسیر حق منحرف گردد چنان سقوط می کند که به «اسفل السافلین» کشیده می شود، لذا در آیه بعد می فرماید سپس ما او را بپائینترین مراحل باز گردانیم یعنی «ثم رددناه اسفل سافلین». میگویند همیشه در کنار کوه های بلند دره های بسیار عمیق وجود دارد، و در برابر آن قوس صعودی تکامل انسان، قوس نزولی و حشتناکی دیده میشود، چرا چنین نباشد در حالی که موجودی است مملو از استعدادهای سرشار که اگر در طریق صلاح از آن استفاده کند بر بالاترین قله افتخار قرار می گیرد، و اگر این همه هوش و استعداد را در طریق فساد به کار اندازد بزرگترین مفسده را می آفریند و طبیعی است که به اسفل السافلین کشیده شود. از فحوای آیه مبارکه **«لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَن تَقْوِيمٍ»** «ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ» با تمام وضاحت در یافتیم که: انسان در اصل خلقت پستی ندارد و سقوط او در طی مراحل زندگی واقع می شود.

واقعاً انسان که برترین و اشرفترین مخلوقات است، سقوطش نیز از همه موجودات پست تر است. «أَحْسَن تَقْوِيمٍ... أَسْفَلَ سَافِلِينَ» همانطوریکه در (آیه 179 سوره اعراف) می فرماید: **«أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ»**. (آنان همچون چهارپایان، بلکه گمراه ترند.) یکی

از عوامل اساسی که موجب سقوط انسان است همانا؛ دوری انسان از ایمان و عمل صالح، واضح است که: ایمان، عامل دوری از هر گونه پستی و نزول است.

«ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ» (5):

(سپس ما او را به میان پست‌ترین پستان بر میگردانیم (و از زمره بدترین مردمان میگردانیم).

«رَدَدْنَاهُ»: او را بر میگردانیم. او را قرار می‌دهیم. کلمه (رَدَّ) را به معنی اصلی برگرداندن، و معنی ضمنی جعل، یعنی قرار دادن و ساختن دانسته اند (روح المعانی). **«أَسْفَلَ»:** پائین‌ترین. مفعول به یا منصوب به نزع خافض است.

«سَافِلِينَ»: پائین‌تران. پستان. جمع مذکر سالم است و مراد انسان هائی است که امتیاز انسانیت خود را نادیده می‌گیرند، و به جای پیمودن قوس صعودی ایمان و دینداری، قوس نزولی کفر و بی‌دینی را طی می‌کنند، و از درجه والای اعلی‌علیین به ژرفای گودال اسفل سافلین فرو می‌افتند.

مفسران مشهور جهان اسلام هر یک مجاهد و حسن فرموده اند که: «اسفل سافلین» یعنی پایین‌ترین درجات آتش و دوزخ.

ضحاک فرموده است: یعنی او را به پست‌ترین عمر که پیری است باز می‌گردانیم. (تفسیر قرطبی ۱۱۵/۱۹).

مفسر آلوسی فرموده است: از سیاق کلام چنان به نظر می‌آید که به وضعیت انسان کافر در روز قیامت اشاره دارد، و نشان می‌دهد که بعد از این که در زیباترین و بدیع‌ترین صورت آفریده شده بود، به زشت‌ترین و ناپسندترین شکل در می‌آید. (آلوسی ۱۷۶/۳۰). **«رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ»:** این بند آیه مبارکه، بدین واقعیت اشاره دارد که: کسانی که راه کفر و شرک و ستمگری و زورگوئی و سایر مفاسد را در پیش می‌گیرند، از مقام انسانیت سقوط می‌کنند و در نظر الله متعال از پستان پست بشمار می‌آیند، و در دنیا از زمره ناپاکان، و در آخرت از جمله دوزخیانند. (تفصیل این موضوع را در سوره: نساء/ 145، صافات/ 98، فصلت/ 29، بینه/ 6) مطالعه فرماید. همین انسان با تمام این امتیازات که برایش داده شده است، اگر از مسیر حق منحرف گردد چنان سقوط می‌کند که به اسفل السافلین کشیده می‌شود.

ولی در آیه بعد می‌افزاید: مگر کسانی که ایمان آورده اند و اعمال صالح انجام داده اند که برای آنها پاداشی است قطع نشدنی (الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات فلهم اجر غیر ممنون).

«إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ» (6)

(مگر کسانی که ایمان بیاورند و کارهای شایسته بکنند که آنان پاداش قطع ناشدنی و بی‌منت دارند).

«غَيْرُ مَمْنُونٍ»: ناگسیختنی، قطع ناشدنی، بی‌منت (مراجعه شود به سوره فصلت/ 8، قلم/ 3، انشقاق/ 25).

«ممنون» از ماده من در اینجا به معنی قطع یا نقص است، بنابراین غیر ممنون اشاره به پاداشی دائمی و خالی از هر گونه نقص است، و بعضی گفته اند منظور خالی از منت بودن است اما معنی اول مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

در تفسیر این آیه مبارکه باید گفت که: ایمان به تنهایی، برای نجات کافی نیست! و ایمان و عمل صالح، ارکان اساسی قرب الی الله، ایمان و عمل صالح از شاخص ترین، بلکه از بارزترین و مهمترین عواملی که سبب داخل شدن انسان به جنت می گردد همانا، ایمان و عمل صالح است.

به یاد داشته باشید که ایمان بدون عمل، اثری ندارد، همچنان عمل بدون ایمان هم سود بخش نیست و مفید تمام نمی شود. با نگاهی کوتاه به آیات قرآن، در می یابیم که سعادت و خوشبختی انسان و جامعه در گرو دو چیز است: ایمان و عمل صالح و زندگی با ایمان و عمل شایسته.

خداوند در قرآن می فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (سوره نحل، آیه 97 - 134. سوره بقره، آیه (82)).

هر کس از مرد و زن، کار نیکی را به شرط ایمان برای خدا به جا آورد، ما او را در زندگانی، خوش و با سعادت زنده ابد می گردانیم و اجری بسیار از عمل نیکی که کرده به او عطا می کنیم.

و در آیه دیگری می فرماید: «وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ.» (سوره بقره، آیه 82) (کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، آنها یاران بهشت اند و برای همیشه در آن خواهند ماند.) «ایمان» و «عمل صالح» از جمله چیزهایی هستند که خدای متعال آنها را از ما مطالبه کرده و آنرا شرط رسیدن به کمال و سعادت بشر دانسته است. این دو مفهوم در قرآن کریم در بسیاری از موارد در کنار هم ذکر شده اند و بر تلازم آنها با یکدیگر تأکید گردیده است. نمونه ای از این آیات را با هم مرور می کنیم:

وَ بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ (سوره بقره آیه 25) و کسانی را که ایمان آورده اند و کار های شایسته انجام داده اند، مژده که ایشان را باغ هایی خواهد بود که از زیر (درختان) آنها جوی ها روان است.

الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَ حَسُنَ مَا بَدَّ (سوره رعد آیه 29) کسانی که ایمان آورده و کار های شایسته کرده اند، خوشا به حالشان، و خوش سر انجامیدارند.

فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ (سوره انبیاء آیه 94) پس هر که کارهای شایسته انجام دهد و مؤمن (هم) باشد، برای تلاش او نا سپاسی نخواهد شد. از این آیات معلوم میشود وظیفه ما در قبال خدای متعال، «ایمان» و «عمل صالح» است.

علماء رابطه «ایمان» و «عمل صالح» مثل رابطه «درخت» و «میوه» میدانند. یک درخت سالم (از درختان میوه) خالی از میوه نخواهد بود، همچنین ایمان از عمل صالح جدا نخواهد شد، مگر ایمان های ضعیف و کم نور که در برابر شهوت و هوی و هوس ها از اثر می افتند و به تعبیر روشنتر عمل صالح تجسم ایمان قلبی است.

البته این سخن بدان معنا نیست که معصیتکاران یا مرتکبان کبیره کافرند آنگونه که خوارج می پنداشتند، بلکه منظور این است ایمان قوی هرگز از عمل صالح مقدم داشته شده، با این که به نظر می رسد انجام واجبات و ترک محرمات کاری مشکل تر از ایمان است، و قاعدتاً باید مقدم داشته شود، این بخاطر آنست که قرآن با این بیان می خواهد اشاره به ریشه و اساس بودن ایمان نسبت به اعمال صالح کند. تعبیر به ایمان و عمل صالح،

آنچنان تعبیر گسترده ای است که تمام مراحل ایمان به خدا و سایر مبانی اعتقادی را از یک سو، و انجام هرگونه کار شایسته فردی و اجتماعی و سیاسی و عبادی را از سوی دیگر شامل می‌شود.

«وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» (عصر/3-1) در سوره عصر به زمان قسم یاد می‌کند و می‌فرماید: قسم به زمان! انسانها در زیانند، مگر کسانی که ایمان دارند، «وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» و عمل صالح انجام می‌دهند.

ایمان به تنهایی هیچ فایده ای ندارد؛ ایمان و عمل همیشه توأم با یکدیگر هستند.

رابطه ایمان و عمل صالح:

ایمان و عمل صالح ارتباط متقابلی با یکدیگر دارند. در آیات بسیاری از قرآن کریم به عمل صالح نیز بعد از ایمان اشاره شده است.

این دو درحقیقت مانند دو پله ترازویی هستند که سنجش بدون یکی از آن دو ممکن نیست و ایمان بدون عمل صالح، سودی نخواهد داشت. اگر کسی بدون آنکه به برنامه های اسلام عمل کند، ادعای ایمان داشته باشد، ایمانش، ادعایی بیش نیست و هیچ سودی به حال او نخواهد داشت.

قرآن مجید در این باره می‌فرماید: «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَضِرُوا إِنَّا مَنَّظِرُونَ» (انعام، 158).

آثار و فواید پیوند ایمان و عمل صالح:

فواید و ثمراتی که از توأم بودن ایمان و عمل صالح در قرآن آمده، نشان دهنده این است که این دو با هم ارتباط تنگاتنگ و مستقیمی دارند. اگر ایمان در اعماق جان نفوذ کند شعاع آن در اعمال انسان خواهد تابید و عمل او را صالح می‌کند؛ زیرا عمل صالح، میوه درخت ایمان و ایمان همچون ریشه می‌باشد، و وجود میوه شیرین، دلیل بر سلامت ریشه و ایمان بدون عمل صالح، درختی بی میوه است. بنابراین ثمره این دو عبارتست از:

محو و زدودن گناهان:

اعمال صالح موجب میشود گناهان گذشته انسان محو شود. خداوند می‌فرماید: «يَكْفُرْ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ؛ وَ بَخْشِي مِنْ غَنَاهَاتِكُمْ رَأْفَاتًا بِرَحْمَتِكَ أُولَئِكَ يُجِيبُونَ» و «ان الحسنات يذهبن السيئات؛ قطعاً نیکی ها بدی ها را از بین می‌برند».

عامل سعادت و رستگاری:

معیار سعادت انسان، ایمان و عمل صالح است: سعادت دارای درجات و مراتب مختلفی می‌باشد. عمل صالح، مرحله اولی از مراحل کمال و سعادت انسانی است و موجب صفا و طهارت در حواس و اعضا میشود.

خداوند متعال می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» هرکس از زن یا مرد عمل صالح انجام دهد، زندگی پاکیزه خواهیم داد و پاداشی بهتر از کردارش به او عطا خواهیم کرد. «(سوره نحل، 97)

عمل صالح زندگی دنیوی و اخروی انسان را تغییر می‌دهد و حیات طیب در دنیا و آخرت را نصیب افراد مؤمن نیکوکار می‌سازد. عمل صالح (نیکوکاری) همراه ایمان، بزرگ ترین بهایی است که خریداران فلاح و رستگاری را به آن می‌رساند.

از منظر و فهم قرآن، رستگاری محصول عمل صالح و ایمان است. بنابراین ملاک در سعادت، حقیقت ایمان و عمل صالح است، نه صرف ادعای لفظی و زبانی. آخرین درجه سعادت، رسیدن به لقای پروردگار است که با عمل صالح میسر و امکان پذیر می شود: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا؛ هرکس به ملاقات پروردگارش امیدوار باشد، باید عمل صالح انجام دهد.»

در سوره عصر به زمان قسم یاد می کند و میفرماید: قسم به زمان! انسانها در زیانند، مگر کسانی که ایمان دارند، «وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» و عمل صالح انجام میدهند. نقطه قابل توجه که در این سوره وجود دارد اینست که ایمان به تنهایی هیچ فایده ای ندارد؛ ایمان و عمل همیشه توأمان با یکدیگر هستند.

محبت آفرینی و ایجاد دوستی:

از دیگر ثمرات ایمان و عمل صالح، محبت آفرینی است که الله تعالی میفرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، خداوند رحمان دوستی آنان را در دل های مردم قرار می دهد. (سوره مریم، 96).

بنابراین ایجاد دوستی، یکی از ثمرات ایمان و عمل صالح است و از دیگر ثمرات این دو عبارتند از: دادن جزا و پاداش نیکو و ضایع نشدن اجر، کسب خوف و رجاء، مورد مغفرت واقع شدن، خوش عاقبتی، رزق زیاد، بهره مندی از رحمت و موهبت الهی، هدایت از ظلمات به نور، زیانکار نبودن، فوز و پیروزی بزرگ، وعده بهشت و جاودان بودن آن ... و

باید توجه داشت ثمرات و فوائد مذکور به شرط توأم بودن ایمان و عمل صالح به دست میآید و لازمه حصول آنها منوط به وجود ایمان در کنار عمل صالح است و خداوند عمل صالح را به اندازه توان و طاقت انسان تعیین کرده؛ تا افراد مؤمن بتوانند عمل صالح را در کنار ایمان انجام دهند.

علاوه بر آیات، روایات زیادی بر ارتباط متقابل ایمان و عمل صالح، تصریح کرده اند که به برخی از آنها اشاره می شود.

نتیجه گیری:

از مجموع آیات و روایات استفاده می شود که ایمان و عمل مانند دو بال هستند که پرواز با يك بال ممکن نیست. ودو واقعیت جدانشدنی هستند و مقارنت ایمان و عمل صالح در آیات و عدم مخالفت روایات وارده در این زمینه، ارتباط مستقیم و متقابل این دو را تصدیق میکند.

«فَمَا يَكْذِبُكَ بَعْدُ بِالْدِينِ» (7)

«پس بعد از این چه چیز تو را به تکذیب روز جزا و امی دارد؟» یعنی: ای انسان منکر! اکنون که دانستی خداوند تو را در نیکوترین ساختار آفریده است و هم اوست که تو را به فرودین فرود برمی گرداند پس چه چیز تو را و امی دارد که رستاخیز و جزا را منکر گردی؟ به قولی: خطاب برای رسول اکرم صلی الله علیه وسلم است. یعنی ای محمد صلی الله علیه وسلم، بعد از ظهور این دلایل قاطع و گویا، باز کدامین انسان تو را تکذیب می کند؟

«أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ» (8)

«آیا خداوند حکم کننده ترین حاکمان نیست» هم در قضا و هم در عدل خویش؟ بی شک که هست؛ از آن رو که او انسان را به نیکویی و زیبایی و با بهترین ساختار آفرید، سپس کافران و منکران خویش را در فرودین فرود دوزخ افکند و مؤمنان را به درجاتی بلند برتری بخشید؛ پس از عدل اوست که قیامت را برپا می دارد تا مظلومان داد خویش را از ظالمان بستانند.

در تفسیر المیزان در باره این آیه مبارکه مینویسد: «آیا خدا بهترین حکم کنندگان نیست؟» در ادامه با استقهامی توبیخی خطاب به نوع انسان میفرماید: چه عاملی تو را به این امر واداشته که جزای روز قیامت را تکذیب کنی؟ با اینکه ما نوع انسان را به دو گروه پاداش داده شده و برگردانده شده به اسفل السافلین تقسیم کرده ایم، آیا جز این است که خداوند احکم الحاکمین است و حکم او مافوق هر حاکم می باشد، زیرا حکم او در اتقان و نفوذ از حکم هر حاکم دیگر برتر است، و همین حکم متقن و حکیمانه اقتضای کند که این دو طائفه از انسان ها در جزا مختلف و متفاوت باشند، پس باید روز جزایی باشد تا هر کس مطابق عملش جزا داده شود و عقل و فطرت انسان هرگز تجویز نمیکند که روز جزایی در بین نباشد.

خواننده معزز!

در حدیث مرفوع از ابوهریره (رض) روایت شده است: «فَإِذَا قَرَأَ أَحَدُكُمْ: «وَالْتِّينَ وَالزَّيْتُونَ»... فَأَتَى آخَرَهَا: «أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ؟»... فَلَيُقَلُّ بَلَى وَ أَنَا عَلَى ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ». «هرگاه یکی از شما «وَالْتِّينَ وَالزَّيْتُونَ» را خواند، وقتی که در آخرش رسید به «أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ؟» باید بگوید: بلی (خداوند داورترین داوران است) و من از زمره گواهی دهندگان هستم».

پیام های سوره تین:

- 1 - نعمت های دنیوی حتی خوردنی ها، قداست دارد و مورد سوگند الهی واقع شده اند. «والتین و الزیتون».
- 2 - صحت و سلامتی که از طریق غذا به دست میآید و امنیت، مهمترین نیازهای مادی انسان است. «التین و الزیتون... البلد الامین».
- 3 - قداست وحی، به زمین ها نیز سرایت می کند. «طور سینین».
- 4 - امنیت شهر مکه، دعای حضرت ابراهیم است که گفت: «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا» و این دعا مورد استجابت واقع شد. «هَذَا الْبَلَدِ الْاَمِينِ»
- 5 - انسان در آفرینش برهمه‌ی موجودات برتری دارد. «خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ فِي اِحْسَنِ تَقْوِيمٍ»
- 6 - خداوند بر آغاز و فرجام انسان حاکم است. «خَلَقْنَا... رَدَدْنَا»
- 7 - انسان در اصل خلقت پستی ندارد و سقوط او در طی مراحل زندگی واقع می شود. «خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ فِي اِحْسَنِ تَقْوِيمٍ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ اَسْفَلَ سَافِلِينَ»
- 8 - انسان که برترین مخلوق است، سقوطش نیز از همه موجودات پست تر است. «احسن تقویم... اسفل سافلین» (چنانکه در آیات دیگر نیز میفرماید: «اولئک کالانعام بل هم اضل»)
- 9 - دوری از ایمان و عمل صالح سبب سقوط است و ایمان، عامل دوری از هر گونه پستی و نزول است. «رَدَدْنَاهُ اَسْفَلَ سَافِلِينَ اِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»

10 - با آنکه خداوند خالق انسان است و هرگونه بخواهد حق دارد با مخلوقش رفتار کند، اما او بر اساس عدل، حکم می‌کند و بهترین داوران است. «**احکم الحاکمین**»

میوجات و حبوبات ذکر شده در قرآن:

همه ای گیاهانی که از زمین می‌رویند از هر نظر مهم و آیت روشنی از عظمت پروردگار با عظمت میباشند. در قرآن عظیم الشان از گیاه به عنوان «نبات» بیش از 20 بار، از درخت با عنوان «شجره» بیش از 20 بار، از میوه با عنوان «فاکله و ثمر» بیش از 30 بار، از دانه حبوبات با عنوان «حب» بیش از 10 بار و از زراعت با عنوان «زرع» 9 بار و از سبزی با عنوان «قضب و بقل» دو بار ذکر می‌شود.

«انار» (رمان) کلمه انار سه بار در قرآن عظیم الشان ذکر گردیده است. (سوره انعام آیه 99، سوره انعام آیه 141، سوره الرحمن آیه 68)

«انجیر» (تین) اسم انجیر یک بار در قرآن عظیم الشان ذکر گردیده است آنهم در سوره (تین آیه 1)

انجیر از جمله قویترین میوه ها و یا هم گفته می‌توانیم که انجیر از بهترین مواد غذایی است که انسان می‌تواند در هر سن سال از آن استفاده نماید، انجیر می‌تواند به عنوان قند طبیعی برای کودکان استفاده نمود. ورزشکاران و نیز آنها که دچار ضعف یا پیری هستند می‌توانند از انجیر برای تغذیه خود استفاده کنند.

می‌گویند «افلاطون» به قدری انجیر را دوست می‌داشت که بعضی آن را دوست فیلسوفان نامیده اند.

«سقراط» انجیر را جذب کننده مواد نافع و دفع کننده ضرر می‌دانسته است. «جالینوس» رژیم مخصوصی از انجیر برای پهلوانان تنظیم کرده بود. به پهلوانان روم و یونان قدیم نیز انجیر داده میشد.

علماء می‌فرمایند: انجیر سرشار است از ویتامین های مختلف و شکر. و در بسیاری از امراض از آن به عنوان یک دوا می‌توان استفاده کرد مخصوصاً هرگاه انجیر و عسل را به طور مساوی مخلوط کنند برای زخم معده بسیار مفید است.

خوردن انجیر خشک، باعث تقویت حافظه می‌شود و به علت وجود عناصر معدنی در انجیر که سبب تعادل قوای بدن و خون می‌گردد، انجیر را غذایی هر سن و سال، و هر موسوم سال و شرایطی جوی، معرفی کرده اند.

«انگور» (عنب) میوه انگور، به صورت جمع و مفرد (عنب و اعناب) بیش از 10 بار در قرآن عظیم الشان ذکر گردیده است (سوره رعد آیه 4، سوره نحل آیه 11 و یس آیه 34، سوره نحل آیه 67، سوره اسرا آیه، سوره کهف آیه 32 و 42)

«خرما» (رطب) «درخت خرما» (نخل، نخیل، نخله) کلمه نخل و نخیل در 20 آیه از قرآن عظیم الشان ذکر شده است (سوره رعد آیه 4، سوره انعام آیه 99، سوره ق آیه 10، سوره انعام آیه 141، سوره یس آیه 34)

«خیار» (بادرنگ) خیار در ماجرای بنی اسرائیل آمده که آنان به یک غذا قناعت نکردند و از موسی علیه و السلام خیار خواستند. (سوره بقره آیه 61)

«زیتون» نام زیتون 6 بار در قرآن عظیم الشان تذکر رفته است، یک بار به طور مستقیم به درختی اشاره شده که در کوه سینا می‌روید و از آن روغن تولید می‌گردد (ذکر آن در سوره مؤمنون آیه 20).

هكذا نام درخت زیتون دو بار به تنهایی و پنج بار همراه دیگر میوه ها همچون خرما، انار، انگور و انجیر به کار رفته است. در قرآن عظیم الشان درخت زیتون از نشانه های خداوند معرفی شده (سوره نحل آیه 11) و درخت زیتون از جمله درخت مبارک و پر برکت ذکر شده است (سوره نور آیه 35) همچنین خداوند متعال به درخت قسم یاد کرده است (سوره نور آیه 35).

«موز» (کیله) موز یک بار در قرآن کریم آمده است که بهشتیان از درخت موزی که میوه اش بر روی هم چیده شده بر خوردارند (سوره واقعه آیه 29)، البته غالب مفسران قرآن عظیم الشان، «طلح» را درخت موز میدانند اما فاروقی آن را «اقاقیا» میدانند.

«پیاز» (بصل) یاد کردن از پیاز در ماجرای بنی اسرائیل است که آنان به یک نوع غذا قناعت نکردند و از موسی (ع) پیاز خواستند (سوره بقره آیه 61)

«سیر» (فوم) در قرآن کریم و در ماجرای بنی اسرائیل سیر هم یکی از خواسته های قوم، از حضرت موسی (ع) بوده است (سوره بقره آیه 61)

«ترنجبین» (من) قرآن کریم سه بار از من یاد می کند که به عنوان نعمت به بنی اسرائیل عطا شده است (سوره بقره آیه 57، سوره اعراف آیه 160، سوره طه آیه 80)

«حنا» (کافور) کلمه کافور یک بار در قرآن و آنهم در سوره «انسان آیه 5» به کار رفته است.

«زنجبیل» زنجبیل یک بار قرآن عظیم الشان یاد کرده و آن را آمیزه نوشیدنی بهشتیان یاد کرده است. (سوره انسان آیه 17)

«عدس» (نسک) قرآن کریم از عدس در ماجرای بنی اسرائیل و تقاضای آنان از حضرت موسی ذکر می کند. (سوره بقره آیه 61)

«کدو» (کدو) کدو در قرآن کریم یکبار و در سوره «صافات آیه 146» آمده و در آن اینگونه بیان شده که خداوند پس از نجات دادن حضرت یونس از شکم ماهی بر سرش بوته کدویی رویانید تا او از اشعه سوزان آفتاب در امان باشد.

میوجات و درختانی جنتی:

در مورد اینکه در بهشت چه درخت های از میوه وجود دارد، آیت و احادیث در مورد اشارت مشخصی ندارد، و این جزو علم غیب است. فقط می دانیم که، بر طبق بعضی از نصوص شرعی (کتاب و سنت) اسم بعضی از میوه ها و درخت های بهشتی ذکر شده اند، مانند میوه انار و خرما و سیب و.. و یا درخت سدر..

اما باید به این نکته مهم هم توجه نمود که: در آنجا اهل جنت هر میوه ای که بخواهند برایشان مهیا می شود، چرا که در قرآن آمده: «وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ (20) وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ» (سوره الواقعة/ 20-21). یعنی: و هر نوع میوه را که برگزینند و بخواهند، به کامل ترین و زیباترین صورت برایشان فراهم خواهد بود. و از گوشت انواع پرندگانی که بخواهند به هر صورتی که بخواهند کباب شده یا پخته شده و یا به صورتی دیگر که بخواهند برایشان فراهم خواهد شد.

و «يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِنِينَ» (سوره الدخان/ 55) یعنی: آنان در بهشت هر میوه ای را که بخواهند از آنچه که در دنیا اسمش هست و از آنچه که در دنیا اسمی از آن نیست و شبیهی ندارد میطلبند، پس هر میوه ای، از هر نوع را که بخواهند بدون زحمت و مشقت فوراً برایشان حاضر می گردد.

و فرمود: «وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ؛ لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ» واقعه (32-33). یعنی: همانند میوه های دنیا نیستند که در بعضی وقت ها یافت نمیشوند و فقط در برخی فصل ها در دسترس هستند و به دست آورد نشان مشکل است، بلکه میوه های بهشت همواره و همیشه وجود دارند و چیدن و استفاده از آن راحت است و انسان در هر حالتی که باشد به آن دسترسی دارد. و فرمود: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ * وَفَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ» (مرسلات 40-41). یعنی: پرهیزکاران در میان درختان متنوع و سایه سار و سرسبز و با طراوات و چشمه سارانی دیدنی هستند که از چشمه ی سلسبیل و رحیق سرچشمه میگیرند. و بهترین و پاکیزه ترین میوه هایی که دلخواه آنان است و آرزو می کنند برایشان مهیاست.

و فرمود: «وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَنُؤُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (سوره البقره/ 25). (به کسانی که ایمان آورده، و کار های شایسته انجام داده اند، بشارت ده که باغهایی از بهشت برای آنهاست که نهرها از زیر درختانش جاریست. هر زمان که میوه ای از آن، به آنان داده شود، می گویند: «این همان است که قبلا به ما روزی داده شده بود. (ولی اینها چقدر از آنها بهتر و عالیتر است.)» و میوه هایی که برای آنها آورده میشود، همه (از نظر خوبی و زیبایی) یکسانند. و برای آنان همسرانی پاک و پاکیزه است، و جاودانه در آن خواهند بود.) در تفسیر سعدی آمده: «میوه های بهشتی همه در زیبایی و طعم همسانند و در میان آن میوه مخصوصی وجود ندارد، و اهل بهشت همواره در ناز و نعمت بسر می برند. پس آنها همواره با خوردن آن میوه ها لذت میبرند. «وَأَنُؤُوا بِهِ مُتَشَابِهًا» عده ای میگویند میوه های بهشت تشابه اسمی دارند اما در مزه با یکدیگر فرق میکنند. گروهی نیز می گویند در رنگ با یکدیگر تشابه هستند اما در اسم فرق می کنند. برخی نیز در این باورند که در زیبایی و لذت تشابه دارند شاید این بهترین قول باشد».

هر بار که نعمتی جدید به آنها تقدیم می گردد چون میوه ها در ظاهر به یک شکل و صورت می باشد گمان می کنند که همان میوه قبلی است، ولی در حقیقت این چنین نیست. و همه آنها در مزه و طعم و خوشبویی خواص منحصر به فرد داشته و با دیگری متفاوتند. و این آیات نشان می دهند که محدودیتی در بهشت از نظر میوه ی دلخواه وجود ندارد، و حتی میوه های جدیدی وجود دارند که در دنیا وجود نداشته است.

و همچنین در مورد درختان جنتی آمده: «وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ * فِي سِدْرٍ مَخْضُودٍ * وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ» (سوره واقعه 27-29).

یعنی: اما اصحاب سعادت، اصحاب سعادت چه حال دارند؟ یعنی حالت بسیار خوبی دارند. «فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ» در میان درختان سدري هستند که خارهایشان گرفته شده و بریده شده است و شاخه های خراب آن قطع گردیده و به جای خار و شاخه های مضر میوه قرار داده شده است، و درخت سدر ویژگی هایی چون سایه گسترده و آرامش یافتن انسان در سایه آن را دارا میباشد.

«وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ» «طلح» درخت بزرگی است که در صحرا می روید و میوه ای لذیذ و خوشمزه دارد و خوشمزه است.

ابن ابی الدنیا از سلیم بن عامر روایت می کند که فرمود: اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم میگفتند: خداوند در آمدن اعراب بادیه نشین و سؤالاتشان ما را مستفید میگرداند.

روزي يکي از باديه‌نشينان به خدمت رسول خدا صلي الله عليه وسلم رسيد و گفت: يا رسول الله صلي الله عليه وسلم! خداوند در بهشت درختي را عنوان کرده که آزار دهنده است و من فکر نمي‌کردم که درخت آزار دهنده‌اي در بهشت وجود داشته باشد. رسول خدا صلي الله عليه وسلم فرمود: «آن چه درختي است؟» گفت: درخت سدر. اين درخت، خار دارد و خارش مزاحم است. رسول خدا صلي الله عليه وسلم فرمود: «مگر نه اين که خداوند فرموده است (فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ) (سوره الواقعة آيه 28) خداوند خار آن را برداشته و به جاي هر خار ثمري رويايده است. ثمري از اين درخت مي‌رويد که هر دانه‌اش به هفتاد و دو رنگ درآمده و هيچ کدام از رنگ‌هايش شبيه ديگري نيستند.» و فرمود: «هُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ» (سوره انعام آيه 141).

يعني: و اوست که باغهايي آفريد نيازمند به داربست و بي‌نياز از داربست، و درخت خرما و کشتزار، با طعم‌هاي گوناگون، و درخت زيتون و انار، که از جهتي با هم شبيه، و از جهتي تفاوت دارند.

خلاصه اينکه در جنت همه انواع ميوه همچون سيب، خرما، انگور و انار و زيتون و غيره وجود دارد، تا چه رسد به انواع گل‌ها و شکوفه‌هاي خوشبو و در يک کلمه درجنت چيزهايي وجود دارد که هيچ چشمي آن را ندیده و هيچ گوشي آن را نشنیده و هيچ کدام از آن حتي بر فکر کسي نيز خطور نکرده است، خداوند ما را از آن بي‌نصيبت نگرداند.

صدق الله العظيم و صدق رسوله نبي الكريم.

فهرست موضوعات و مطالب سُورَةُ التِّينِ

شماره	نام سوره	معانی و محتوای سوره ها	صفحه
	سُورَةُ التِّينِ	- التِّينِ = انجیر - محتوای سوره تین: این سوره به آفرینش زیبایی انسان مراحل تکامل و عوامل انحطاط او اشاره دارد و نیز مسأله معاد و حاکمیت خداوند را بیان می کند.	
1		- وجه تسمیه.	
2		- سایر روایات مفسران در باره «تین» و «زیتون».	
3		- کوه زیتا یا کوه زیتون.	
4		- تعداد آیات، کلمات و حروف سوره التین.	
5		- پیوند و ارتباط سوره التین با سوره الانشراح.	
6		- اسباب نزول سوره التین.	
7		- زمان نزول سوره تین.	
8		- موضوعات مورد بحث در سوره تین.	
9		- ترجمه و تفسیر سوره التین.	
10		- رابطه ایمان و عمل صالح.	
11		- آثار و فواید پیوند ایمان و عمل صالح.	
12		- محو و زدودن گناهان.	
13		- عامل سعادت و رستگاری.	
14		- محبت آفرینی و ایجاد دوستی.	
15		- پیام های سوره تین.	
16		- میوجات و حبوبات ذکر شده در قرآن.	
17		- میوجات و درختانی جنتی.	

مکثی بر بعضی از منابع و مأخذها

1- تفسیر صفوة التفاسیر:

تألیف محمد علی صابونی (مولود 1930 م) این تفسیر در سال 1399 ق نوشته شده است. نویسندگان در تدوین این تفسیر از مهم ترین و معتبرترین کتب تفسیر از جمله: تفسیر طبری، کشاف، قرطبی، آلوسی، ابن کثیر، البحر المحیط و... استفاده بعمل آورده است.

2- تفسیر انوار القرآن:

تألیف عبدالرؤف مخلص هروی. «تفسیر انوار القرآن» گزیده ای از سه تفسیر: فتح القدیر شوکانی، تفسیر ابن کثیر و تفسیر المنیر وهبه الزحیلی می باشد.

سال نشر: 1389 هجری قمری - محل نشر: احمد جام - افغانستان

3- تفسیر المیسر:

تألیف: دکتر عایض بن عبدالله القرني (اول جنوری 1959 م مطابق 1379 هجری)
انتشارات: شیخ الاسلام احمد جام سال چاپ: 1395 هـ .

4- تفسیر کابلی

تفسیر کابلی (ترجمه فارسی ترجمه عثمانی) مفسر: شیخ الإسلام حضرت مولانا شبیر احمد عثمانی رحمه الله علیه، مترجم: شیخ الهند حضرت مولانا محمود الحسن رحمه الله علیه، ترجمه دری / فارسی: جمعی از علمای افغانستان.

5- تفسیر معالم التنزیل - بغوی:

تفسیر البغوی تألیف حسین بن مسعود بغوی (متوفی سال 516 هجری قمری) این تفسیر به زبان عربی نوشته شده، و از تفسیر الکشف والبیان ثعلبی بسیار متأثر می باشد.

6- تفسیر زاد المسیر فی علم التفسیر:

تألیف: ابن جوزی ابوالفرج عبدالرحمن بن علی (510 هجری/ 1116 میلادی - 12 رمضان 592 هجری) «زاد المسیر فی علم التفسیر» مشهور به «زاد المسیر»، تفسیر متوسط ابن جوزی میباشد که: این تفسیر خلاصه از تفسیر بزرگ وی بنام المغنی فی تفسیر القرآن می باشد.

7- البحر المحیط فی التفسیر القرآن: ابو حیان الأندلسی:

تألیف: محمد بن یوسف بن علی بن حیان نفری غرناطی (654 - 745ق) مشهور به ابوحیان غرناطی. تفسیر «البحر المحیط» به زبان عربی می باشد. وی به تحقیق پیرامون کلمات هر آیه و اختلاف ترکیب ها و بلاغت، توجه خاصی مبذول داشته است.

8- تفسیر تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر:

تفسیر القرآن العظیم: تألیف عماد الدین اسماعیل بن عمر بن کثیر دمشقی (متوفی 774ق) مشهور به ابن کثیر. که از علماء ممتاز و محقق قرن هشتم به شمار می آید. (جلال الدین سیوطی، مفسر و قرآن شناس بزرگ اسلامی می فرماید: ابن کثیر تفسیری دارد، که در سبک و روش همانندش نگاشته نشده است).

9- تفسیر بیضاوی:

یا «أنوار التنزیل و أسرار التأویل، مشهور به «تفسیر بیضاوی» تألیف شیخ ناصر الدین عبد الله بن عمر بیضاوی (متوفی سال 791 هـ) در قرن هفتم هجری این تفسیر به زبان عربی تحریر یافته است. و در سال (1418 ق یا 1998 م) دار إحياء التراث العربی - بیروت - لبنان بچاپ رسیده است.

10- تفسیر الجلالین « التفسیر الجلالین »:

جلال الدین محلی و شاگردش جلال الدین سیوطی (وفات جلال الدین محلی سال 864 و وفات جلال الدین سیوطی سال 911 هـ) (سال نشر: 1416 ق یا 1996 م).
ناشر: مؤسسة النور للمطبوعات مکان نشر: بیروت - لبنان) این تفسیر در قرن دهم هجری بزبان عربی و از معدود تفاسیری است که توسط چند عالم نوشته شده باشد.

11- تفسیر جامع البیان فی تفسیر القرآن - تفسیر طبری:

علامه ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید طبری متولد (224 وفات 310 هجری قمری) در بغداد ویا (839 - 923 میلادی) (قرن 4 قمری، ناشر: دار المعرفة ، محل نشر: بیروت) شیخ طبری یکی از محدثین ، مفسر، فقهی ومؤرخ مشهور سده سوم قمری است.

12- تفسیر ابن جزى التسهیل لعلم التنزیل:

تألیف محمد بن احمد بن جزى غرناطی الکلبي مشهور به جُزىّ (متوفى 741ق) (ناشر: شركة دار الأرقم بن أبیالأرقم ، بیروت - لبنان) یکی از موجزترین و در عین حال مفیدترین و فراگیرترین تفاسیر مغرب اسلامی است.

13 - تفسیر ابو السعود:

«تفسیر إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم» تألیف: مفسر شیخ ابوالسعود محمد بن محمد بن مصطفى عمادی (متوفى 982) از علمای ترک نژاد می باشد. (محل طبع مكتبة الرياض الحديثه بالرياض) .

14- تفسیر فی ظلال القرآن:

تألیف: سيد بن قطب بن ابراهيم شاذلی (متوفى سال 1387 هـ) . سال نشر 1408ق یا 1988 م. ناشر: دار الشروق، مکان نشر ، بیروت - لبنان

15- تفسیر الجامع لاحکام القرآن - تفسیر القرطبي:

نام مؤلف: عالم ومحقق مشهور اندلس (اسپانيا) علامه ابو عبد الله محمد بن احمد بن بکر بن فرح القرطبي (متوفى سال 671 هجری) هدف اساسی وی از تألیف این تفسیر استنباط احکام ومسائل فقهی از قرآن کریم بوده است .

16- تفسیر معارف القرآن:

مؤلف: حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا شیخ الحدیث حضرت مولانا محمد یوسف حسین پور.

17- تفسیر خازان:

نام تفسیر: « لباب التأویل فی معانی التنزیل (تفسیر الخازان » تألیف: علاء الدین علی بن محمد بغدادی مشهور به الخازان (متولد ۶۷۸ و متوفای ۷۴۱ هجری می باشد).

18- روح المعانی (الوسی):

تفسیر «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم» اثر محمود أفندی آلوسی است. (1217 - 1270ق) سال نشر: 01 ینایر 2007 محل نشر ،ادارة الطباعة المنيرية تصوير دار إحيار التراث العربي.

19- جلال الدین سیوطی:

«الاتقان فی علوم القرآن » تفسیر الدار المنثور فی التفسیر با لمأثور » مؤلف : حافظ جلال الدین عبد الرحمن بن ابی بکر سیوطی شافعی . (۱۴۴۵ - ۱۵۰۵م) مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف 1426 هـ المدينة المنوره

20- زجاج: « تفسیر معانی القرآن فی التفسیر »:

مؤلف: الزَّجَّاج أو أبو إسحاق الزَّجَّاج أو أبو إسحاق إبراهيم بن محمد بن السرى بن سهل الزجاج البغدادي است. (241 هجری - 311 هجری 855 - 923 - میلادی)

21- تفسیر ابن عطیة:

نام کامل تفسیر: «المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز ابن عطیة» بوده مؤلف آن: أبو محمد عبد الحق بن غالب بن عبد الرحمن بن تمام بن عطیة الأندلسی المحاربی (المتوفی: 542هـ) سال نشر: سنة النشر: 1422 - 2001 ، دار ابن حزم.

22- تفسیر قتادة:

أبو الخطاب قتادة بن دعامة بن عكابة الدوسي بصري (61 هـ - 118 هـ ، 680 - 736 م) . وی از جمله تابعین بوده ، که در علوم لغت ، تاریخ عرب ، نسب شناسی ، حدیث ، شعر عرب ، تفسیر ، دسترسی داشت . و در ضمن حافظ بود ، در بصره عراق زندگی بسر برده ولی نابینا بود . امام احمد حنبل درباره او می گوید: «او با حافظه ترین اهل بصره بود و چیزی نمی شنید مگر اینکه آن را حفظ می کرد ، من یک بار صحیفه جابر را برای او خواندم و او حفظ شد.» حافظه او در طول تاریخ ضرب المثل بود . او در عراق به مرض طاعون در گذشت .

23- تفسیر کشاف مشهور به تفسیر زمخشری.

« تفسیر الکشاف عن حقایق التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل » مشهور به تفسیر کشاف . مؤلف : جارالله زمخشری (27 رجب 467 - 9 ذیحجه 538 هـ) این تفسیر برای بار اول در سال: ۱۸۵۶ میلادی در دو جلد در کلکته بچاپ رسید ، سپس در سال ۱۲۹۱ در بولا ق مصر ، و در سال های ۱۳۰۷ ، ۱۳۰۸ ، و ۱۳۱۸ در قاهره به چاپ رسیده است . محل نشر: انتشارات دار إحیا التراث العربی .

24- تفسیر مختصر:

تفسیر ابن کثیر: مؤلف: ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب طبری مشهور به جریر طبری متولد 224 وفات 310 هجری قمری در بغداد (218 - 301 هجری شمسی) . تاریخ طبری مشهور به پدر علم و تاریخ و تفسیر است . سال طبع هفتم : 1402 هـ - 1981 م - محل طبع : دار القرآن الکریم ، بیروت - لبنان .

25- مفسر صاوی المالکی :

«حاشیة الصاوی علی تفسیر الجلالین فی التفسیر القرآن الکریم » مؤلف : احمد بن محمد صاوی (1175-1241ق) است . سال و محل طبع : : بالمطبعة العامرة الشرفیة سنة 1318 هجرية .

26- سعید حوی :

حَوّی ، سعید ، حَوّی ، سعید ، مفسر « الاساس فی التفسیر (یازده جلد؛ قاهره ۱۴۰۵) ، که از مهم ترین و اثرگذارترین آثار حوی به شمار می آید . سال نشر : 1424 ق یا 2003 م ، محل نشر قاهره - مصر موسسه دار السلام

27- تفسیر کبیر فخر رازی:

تفسیر فخر رازی مشهور به تفسیر کبیر ، شیخ الإسلام فخرالدین رازی (544 هـ - 606 هـ) تفسیر کبیر مهم ترین و جامع ترین اثر فخر رازی و یکی از چند تفسیر مهم و برجسته قرآن کریم به زبان عربی است .

28- تفسیر سدی کبیر :

تفسیر سدی کبیر اثر «ابو محمد اسماعیل بن عبدالرحمان» ، معروف به سدی کبیر ،

متوفای ۱۲۸ هجری قمری از مردم حجاز است که در کوفه می‌زیست. وی مفسری عالی‌قدر و نویسنده‌ای توانا در تاریخ، بخصوص درباره‌ی غزوات (جنگ‌های) صدر اسلام است. از تفسیر او به نام «تفسیر کبیر» یاد می‌شود که از منابع سرشار تفاسیری است که پس از وی به رشته‌ی تحریر در آمده است. «جلال الدین سیوطی» به نقل از «خلیلی» می‌گوید: سدی، تفسیر خود را با ذکر سندهایی از «ابن مسعود» و «ابن عباس» نقل کرده است و بزرگانی چون «ثوری» و «شعبه» از او روایت کرده‌اند.

29- تفسیر المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز:

مؤلف: ابومحمد عبدالحق بن غالب بن عبدالرحمن بن غالب محاربی معروف به ابن عطیه اندلسی (481 - 541 هجری)

30 - تفسیر فرقان

تألیف: شیخ بهاء الدین حبیبی

31 - کتاب حاشیة محیی الدین شیخ زاده علی تفسیر القاضی البیضاوی

نویسنده: شیخ‌زاده، محمد بن مصطفی

زبان: عربی

ناشر: دار الکتب العلمیة

سایر نویسندگان: نویسنده: بیضاوی، عبدالله بن عمر - مصحح: شاهین، محمد عبدالقادر - نویسنده: شیخ‌زاده، محمد بن مصطفی .

32 - تفسیر گلشاهی

مؤلف: دکتر آناتواق آخوند گلشاهی

موضوع: ترجمه و تفسیر کامل قرآن کریم

33 - کتاب حاشیة محیی الدین شیخ زاده علی تفسیر القاضی البیضاوی

نویسنده: شیخ‌زاده، محمد بن مصطفی

زبان: عربی

34 - تفسیر مجاهد

تفسیر مجاهد، اثر ابوالحجاج مجاهد (21 - متوفی 102 یا 103 یا 104 یا 105ق) فرزند جبر و یا جبیر مکی مخزومی از مفسران تابعین و علمای علوم قرآنی است.

35- فیض الباری شرح صحیح البخاری:

داکتر عبد الرحیم فیروز هروی، سال طبع: 26 Jan 2016

36- صحیح مسلم - وصحیح البخاری:

گردآورنده: مسلم بن حجاج نیشاپوری مشهور به امام مسلم که در سال 261 هجری قمری وفات نمود. وگرد آورنده صحیح البخاری: حافظ ابو عبد الله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزبه بخاری (194 - 256 هجری)

37- تفسیر نور دکتر مصطفی خرم دل:

نام کامل تفسیر نور: «ترجمه معانی قرآن» تألیف: دکتر مصطفی خرم‌دل از کردستان: (متولد سال 1315 هجری، وفات 1399 هجری).

38- مفردات الفاظ القرآن:

از راغب اصفهانی. (خیر الدین زرکلی در کتاب «الأعلام» گفته: او اهل اصفهان بود اما در بغداد سکونت گزید، ادیب مشهوری بود، و در سال 502 هجری قمری وفات کرد». امام فخرالدین رازی در کتاب «تأسیس التقدیس» در علم اصول ذکر کرده که راغب از ائمه اهل سنت است و مقارن با غزالی بود. (بغیة الوعاة 2 / 297 ، وأساس التقدیس صفحه 7).

39- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم:

شیخ حسنین محمد مخلوف (751 هـ - 812 ق) ، اسباب نزول، علامه جلال الدین سیوطی ترجمه: از عبد الکریم ارشد فاریابی. (انتشارات شیخ الاسلام احمد جام)

ترجمه و تفسیر «سورة التین»

تتبع و نگارش: امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیکی افغان
و مسؤل مرکز فرهنگی د حق لاره- جرمنی
درس: saidafghani@hotmail.com

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**